

درباره کتاب «دا» (۴)

گفتن از نوعی دیگر

یک زندگینامه ادبی / ارمانی مرد است.

این امر حجم زیاد و پرگویی‌هایی به کتاب «دا» بخشیده که باعث می‌شود کتاب در مواجهه با مخاطبین انتخابی خود کمی سردتر شود. اگر قرار است «دا» بین عامه مردم و به خصوص مخاطبین جوان‌تری خوانده شود که درک چندانی از فضای آن دوران ندارند، کاش شرایط خوانش در فضای امروز را هم رعایت می‌کرد. بزرگانی که خودشان مستقیم درگیر دفاع از کشور و مبارزه با دشمن بودند که شاید نیاز چندانی به این بازآفرینی این تصاویر در خشان نداشته باشند، اما برای نسل بعدی یا افراد دورتر از آن فضا هم این حجم زیاد کتاب و بعضی تکرارهای آن از کشش داستانی خواهد کاست.

معمولا ما همیشه دوران دفاع مقدس را در آثار کارگردانان این ژانر دیده‌ایم، یعنی صرفا عملیات متهورانه مردان جنگی که طبعاً وجوه اغراق‌آمیز سینمایی آن هم برتری داشته است، گرچه چنان بخش‌هایی جزء اصلی این حماسه بوده‌اند، ولی در کتاب «دا» با افراد معمولی و آشنای هم آشنا می‌شویم، با محدودیت‌ها و کمبودها و دغدغه‌ها و دوستی‌ها و گرسنگی‌ها و خلاصه تمام مشکلات آنها که اتفاقاً بار حماسی‌تری به این ماجرا می‌بخشد.

بسیاری من حسن بزرگ کتاب در همان تصویرسازی‌های آن است: یادآوری و تجسم گذشته است که در آن روزها و سال‌ها در اجتماع جاری بوده؛ نمایش روح جمعی فداکاری و همدلی بین مردم ایران؛ اینکه آدم‌های معمولی کوچه

و خیابان با چه بزرگی و ایثاری با هم روبه‌رو می‌شدند و بدون تظاهر از مملکت و مردمشان دفاع می‌کردند؛ فرماندهی که در خط مقدم حضور می‌یافتند؛ جنگ‌زده‌هایی که حتی حاضر به قبول کمک‌های زنده و متدروس شهرنشین‌های بی‌خبر از بمباران نبودند؛ و به خصوص زنانی که با چنان شهامت جلود آتش دشمن می‌رفتند تا بیکر یک پدر شهیدشده را پیدا و دفن نمایند؛ زمانی که در آن امنیت یک دختر در یک منطقه جنگی وسط بیابان و میان آن همه رزمندگان مرد احتمالاً بیشتر از امنیت دختران امروزی در ساعت مثلاً هفت شب و در خیابان‌های شلوغ پایتخت بوده و زمانی که معنی و ارزش چیزهایی چون حقوق و مزایا و دستمزد با امروز خیلی تفاوت داشته است. اینها مایه غرور بوده و هست البته به گمان من قرار نیست با بغض نوستالژیکی که مثلاً در آثار سینمایی حاتمی‌کیا وجود دارد، این ارزش‌ها را صرفاً با دلتنگی برای فضای جنگی زنده و بازسازی کرده، شاید همین‌گونه یادآوری‌هایی چون کتاب «دا» روش بهتری برای «گفتن از نوعی دیگر» باشد.

بی‌شک ما خوانندگان «دا» تجربه متفاوتی را از سر خواهیم گذراند؛ و شاید که همپای بزرگ شدن و قد کشیدن سیده زهرا ما هم تا داشتن یک افق دید وسیع‌تر قد بکشیم.

شیرینا مقانلو



کتاب «دا» تجربه مهمی است، هم برای خواننده، و هم در میان سایر آثار از این دسته نخستین و برترین حسن کتاب «دا»، تصویر دقیق و شگافی که راوی از زمان و مکان ارائه می‌دهد، زمان و مکانی مهم و حساسی که به‌رغم بازگویی‌های مکرر این سال‌ها تاکنون از چنین زاویه‌ای به آن پرداخته نشده است. کمتر

زندگینامه کتاب خاطرات و حتی فیلم سینمایی را دیده‌ایم که توانسته باشد جزئیات رنج و درد و غرور مردمی را نمایان کند که چند روز نخست حمله عراق را، با امید و شجاعت قلب آوردند و گلایه‌ای هم نکردند. حافظه حیرت‌آور راوی که جزئی‌ترین گفت‌وگوها را در حد ساعت و دقیقه به یاد دارد این شخص را در حد یک نابغه - و نه فقط یک نویسنده - می‌نماید که باعث می‌شود پیش خودم فکر کنم اگر او فرصت و امکان ادامه تحصیل داشت، امروز با انمی بسیار خلایق از نظر علمی نیز

روبه‌رو بودیم. سکوت چندساله خام حسینی با فورانی مهیج به پایان رسیده است و ایشان انگار خود را مکلف و مدیون تک‌تک آنها و حتی اشیای شهرش دیده تا خاطر‌شان را در صحنه ادبیات نیز جاودانه کند.

انگار راوی در تمام آن هفته‌های پر از خون و عشق و ایثار به دو آدم تبدیل شده بوده؛ یکی «سیده زهرا»یی که لحظه به لحظه‌اش را با شور و اعتقاد می‌جنگد و دفاع می‌کند و در صبر انتظار پیروزی می‌کشد و نوعی فیلم‌بردار دقیق و خونسردی که فارغ از آن احساسات

پرشور با دوربین همیشه روشنی بر دوش و بدون ترس به همه جا سرک می‌کشد و تصاویر را ثبت می‌کند و ما را هم در این فیلم مستند همراه خودش می‌کند. اما همین ویژگی آسیمی نیز متوجه کتاب می‌کند که بر مضمون بدیع آن تأثیر می‌گذارد، مولف بسیار می‌گوید، دلش نمی‌آید از هیچ صحنه و گفت‌وگویی بگذرد و چیزهایی را هم ناکفته باقی بگذارد، و کارش را به دست تدوینگری ماهر نمی‌دهد تا از دل آن یک اثر خیلی ناب بیرون بکشد اما می‌دانیم که برترین مستندهای واقعگرا نیز نیاز به یک تدوینگر اوپرایشگر دارند تا اثر را پیش از ارائه به مردم شکلی سامان‌مند ببخشند.

نیاز از این تکرار مکررات که در تئوری‌های جدید دیگر نمی‌شود مقوله فرم را از محتوا جدا کرد، باید گفت که کتاب «دا» تأثیر عمیق خود را به مضمون به شدت تأثیرگذار و جذاب، صداقت بیان، و بدیع بودنش مدیون است، یعنی بار دراماتیک آن بی‌نقص از دل خود یک درام بزرگ بیرون می‌زند و نه از پرداخت آن؛ یعنی متسلفانه کتاب در مرحله تبدیل شدن به یک اثر ادبی / هنری دراماتیزه نشده است و از نظر ساختاری به قواعد دراماتیک شدن اعتنائی چندانی نداشته است. بنابراین «دا» در آستانه یک رمان قدرتمند و چند سر و گردن بالاتر از سایر کتاب‌های خاطرات ایستاده، اما در تعیین موضع خود به عنوان یک زندگینامه صرف با

آرمانگرایی یک نسل

تهمینه میلانی

کمتر پیش می‌آید که من کتابی با این حجم (۷۵۰ صفحه) را یک نفس بخوانم. نمی‌توانم کنجکوی



من از دانستن نداشتن‌های جنگ بوده با جنایت فانی کتاب که موجب شده کتاب را در سه روز بخوانم و هنگام خواندن بخش‌هایی از کتاب با زهرا خاتوم هم‌هویت شوم، به‌ویژه با صحنه‌های شهادت «علی» برادر زهرا که مملو از احساسات انسانی بود و صورت من هنگام مطالعه این بخش‌ها خیس آرماتیک‌گرایی بخشی از یک نسل (دهه ۶۰-۵۰) در این کتاب به‌خوبی بیان شده و ارتباط عمیقی با خواننده برقرار می‌کند. پیشنهاد می‌کنم این کتاب مورد مطالعه نسل جوان ما که اغلب فاصله بعدی با آرمانگرایی دارند قرار گیرد، تا شاید پلی باشد برای ارتباط بیشتر و بهتر با نسل پیشین خود.